

خواستگاری در فقه و حقوق



محمد مهدی مقدادی *

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده:

خواستگاری رسمی دیرینه و مقدمه‌ای پراهمیت بر پیمان زناشویی است که به لحاظ برخورداری از مسائل و پاره‌ای احکام مهم نیازمند بررسی، تبیین احکام و پاسخ به پرسش‌هایی می‌باشد که کمتر در کتاب‌های فقهی و حقوقی بدان توجه شده است. از این رو، نوشتار حاضر پس از تبیین و بررسی مفهوم و ماهیت خواستگاری، بیان حکم شرعی و حکمت خواستگاری زن از مرد، به بیان مسائلی چون جواز نظر به همسر آینده و قلمرو و شرایط آن، موانع خواستگاری، ممنوعیت خواستگاری از نامزد دیگری و خواستگاری ضرر آمیز پرداخته است و در انتهای مقاله پیشنهاد قانونی تدوین ماده‌ای در رابطه با موانع نکاح بیان شده است.

واژگان کلیدی:

خواستگاری، نامزدی، نظر و نگاه، ازدواج، زن، مرد.

* - دانش پژوه سطح چهار حوزه، کارشناس ارشد حقوق خصوصی، خارج فقه، اصول و مدرس دانشگاه مفید.

بسیاری از عقود به لحاظ موضوع و ویژگی های آن بر مقدماتی استوار می باشند که در آن طرفین خواسته ها و اغراض خویش را بیان می دارند و برای ایجاد تفاهم و توافق به گفتگو می پردازند. این مقدمات با توجه به جایگاه، اهمیت پیمان، آداب و مذاکرات نهفته در آن مورد عنایت و بررسی قرار می گیرد. حساسیت و اهمیت عقد ازدواج که پیمان زندگی انسان هاست و بنیان و هسته اصلی جوامع را تشکیل می دهد، موجب شده که مقدمات آن به ویژه «خواستگاری» که رسمی کهن و ریشه دار است، محور توجه شارع و قانونگذار قرار گیرد. البته موضوع خواستگاری و احکام آن در کتب فقهی به صورت پراکنده و ناکافی مطرح گردیده و صاحب نظران و حقوقدانان نیز کمتر در این باره قلم زده اند.^۱ سؤال هایی در این رابطه مطرح است، از آن جمله اینکه مفهوم دقیق و طبیعت حقوقی خواستگاری چیست؟ آیا اقدام زن به خواستگاری از مرد هم پذیرفتنی است؟ قلمرو و شرایط نظر به دختر خواستگاری شده چیست؟ رابطه زن و مرد در این مجال چگونه است؟ و خواستگاری با چه محدودیت و موانع شرعی یا قانونی روبه رو است؟ از جمله پرسش هایی است که به لحاظ توسعه جوامع، شرایط زمانی حاضر و کثرت ابتلا از یک سو و ضرورت رعایت حریم شرعی در روابط افراد و جلوگیری از تضییع حقوق آنان از سوی دیگر، لازم است به دقت بررسی و پاسخ داده شود و در پی آن مقررات مناسب تدوین گردد. مطالعه و بررسی های نوشتار حاضر با محوریت سؤال های یاد شده و با بهره گیری از منابع و دیدگاه های فقهی و مقررات موجود در قانون مدنی همراه با نقد و بررسی تنظیم گردیده است.

خواستگاری

مفهوم و ماهیت خواستگاری

برای انتخاب همسر و تشکیل خانواده، ابتدا مرد به خواستگاری زن مورد نظر خویش می رود و تمایل خود را برای ازدواج با وی اعلام می دارد. این رسمی دیرینه و دامنه دار است که مطابق

۱- البته به جهت توجه حقوق خارجی به موضوع نامزدی و مباحث مربوط به آن (مفهوم نامزدی و آثار آن، بر هم خوردن نامزدی و جبران خسارت...) حقوقدانان مادر این عرصه بیشتر نگاهشسته اند. (رک. کاتوزیان، ۱۳۷۸؛ ج ۱، صص ۵۵-۳۱)

فطرت و منش انسانی در تمام جوامع بشری همواره جریان داشته است. از این رو خواستگاری^۱ را به پیشنهاد ازدواج از طرف مرد تعریف کرده‌اند، (عاملی، ۱۳۵۰: ص ۵۲) که به عبارت دقیق‌تر، تقاضای مرد برای ازدواج با زنی معین و خالی از موانع شرعی می‌باشد.^۲ خواستگاری گاه به سادگی انجام می‌شود، ولی به طور غالب همراه با آداب و رسوم و طی مراسمی خاص برگزار می‌شود، تا مرد وزن همدیگر را ببینند و با وضعیت، روحیات و شرایط یکدیگر آشنا شوند و نیز درباره زندگی آینده خود گفتگو کنند و چنانچه شرط یا وصفی را مدنظر دارند، مشخص نمایند. البته در بیشتر موارد خویشان نزدیک طرفین در این مراسم حضور دارند و با آنان در انتخاب همسر مناسب و رسیدن به توافقی شایسته، همراهی و همفکری می‌کنند. سرانجام زمانی که زن (یا شخصی که از ناحیه او مجاز است) به درخواست مرد پاسخ مثبت داد و زن و مرد به توافق رسیدند، درباره عقد نکاح وعده می‌دهند و از این پس وارد مرحله‌ای به نام «نامزدی» می‌شوند. بنابراین در تبیین ماهیت حقوقی این رسم می‌توان چنین اظهار داشت که خواستگاری به واقع ایجابی است از سوی خواستگار (مرد) که با پذیرش آن از سوی خواستگاری شده (زن) وعده نکاح صورت می‌پذیرد و نامزدی تحقق می‌یابد. نامزدی یا وعده ازدواج هم توافقی است که بین زن و مرد به منظور ازدواج در آینده منعقد می‌شود. بنابراین نامزدی یک قرارداد است، ولی قراردادی جایز که طرفین می‌توانند آن را فسخ نمایند. (صفایی و امامی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۶) البته انجام خواستگاری و پذیرش طرف مقابل و تحقق پیمان مزبور، به معنای تحقق ازدواج و شروع رابطه زناشویی نیست، (ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۳) بلکه همچنان طرفین نسبت به یکدیگر اجنبی و نامحرم می‌باشند. بر همین اساس ماده ۱۰۳۵ ق.م. مقرر می‌دارد: «وعدۀ ازدواج، ایجاد علقۀ زوجیت نمی‌کند...». اگرچه پاره‌ای از فقهای مذهب مالکی پنداشته‌اند که خواستگاری و ارائه پیشنهاد (ایجاب) همسری به زن، در ازدواج و پذیرش (قبول) آن از سوی زن یا ولی وی است و با این ایجاب و قبول ارکان عقد نکاح حاصل می‌گردد؛ لذا زن و مرد به عقد هم درآمده و آثار ازدواج

۱- در اصطلاح فقه به آن «خطبه» اطلاق می‌شود که به معنای درخواست مرد از زن برای ازدواج است. (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۶: ج ۷، ص ۴۱۵)

۲- با عنایت به امکان تحقق خواستگاری و اظهار تمایل به ازدواج از سوی زن می‌توان خواستگاری را به تقاضا و اظهار تمایل یک طرف برای ازدواج به طرف دیگر معنا نمود.

مترتب می شود. (عمرانی، ۱۴۲۲ق: صص ۲۹۸-۲۹۷)

اما با دقت در قصد طرفین و نیز بطلان عقد معاطاتی و شرط بودن اجرای صیغه خاص در عقد نکاح، به راحتی می توان به نادرستی این پندار بی اساس پی برد. اجماع فقهای امامیه ایجاب و قبول لفظی را با دلالت واضح و قصد صریح، در تحقق عقد نکاح شرط می دانند. (بحرانی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۳، ص ۱۵۶؛ حکیم، ۱۳۹۲ق: ج ۱۴، صص ۳۶۸-۳۶۷) در کتاب شریف وسائل الشیعه بخشی تحت عنوان «اعتبار صبغه و کیفیت ایجاب و قبول» در عقد از دواج گشوده شده و در آن روایات زیادی در این باره ذکر گردیده است. (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، صص ۱۹۸-۱۹۴) بنابراین با قاطعیت می توان مدعی شد که خواستگاری و نامزدی اثر عقد نکاح را ندارد.

حکم خواستگاری

خواستگاری زمینه ای مناسب و مقدمه ای لازم برای شروع زندگی زناشویی به شمار می رود. زن و مرد همدیگر را می بینند، با یکدیگر آشنا می شوند و فرصت کافی برای آنان و نزدیکانشان جهت تحقیق از اوصاف و شرایط مورد نظر فراهم می گردد. زن و خانواده اش در این مرحله می توانند با پرس و جو و کنکاش، خلق و خوی خواستگار و سوابق و سایر اوصاف وی را بسنجند، مرد نیز مهلت کافی جهت آشنایی بیشتر با زن و ویژگی های او را به دست می آورد و در نهایت دو طرف پیرامون مسائل مورد علاقه خویش به گفتگو می نشینند و چنانچه شروطی را در نظر دارند، مطرح می نمایند. (حلی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۶۹)

بدین ترتیب باید اذعان نمود که خواستگاری رسمی معقول و پسندیده است. از این رو، برخی از فقیهان اظهار کرده اند که مراسم خواستگاری از جهت شرعی مستحب است. علامه حلی در این باره می فرماید: «در جواز خواستگاری از زنان، در مواردی که منع نشده، اختلافی نیست و اساساً مورد اتفاق فقها می باشد. بلکه حق آن است که مستحب باشد، زیرا حضرت پیامبر (ص) خود این عمل را انجام داده اند. همچنین رویه مردم در زمان ها، مکان ها و شهرهای مختلف همواره بر این امر جریان داشته است که بر پسندیده بودن و استحباب خواستگاری دلالت دارد». (همان)

خواستگاری زن از مرد

درخواست ازدواج و خواستگاری به طور غالب از ناحیه جنس مذکر (مرد) آغاز می شود. بعضی نیز این امر را همیشگی، مطابق فطرت و طبیعت انسانی دانسته و معتقدند دین اسلام آیین فطرت است و بر این رویه فطری و طبیعی مهر تأیید نهاده است و بر این مبنا در قرآن و سنت، مردان در امر ازدواج مخاطب واقع گشته اند و مستقیماً به آنان دستور ازدواج و همسرگزینی داده شده است: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء»، (نساء، ۳) «باز زنان طیب ازدواج کنید. (محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۲۵) ولی این پرسش جای درنگ دارد که آیا زن هم می تواند همانند مرد اقدام به خواستگاری کند و از مرد مورد پسند خویش تقاضای ازدواج نماید؟



اگرچه این مسأله کمتر مورد توجه فقها و نویسندگان قرار گرفته است؛ اما به جهت صناعت فقهی می توان چنین پاسخ داد که مفهوم خواستگاری به نوعی انصراف به درخواست مرد از زن برای ازدواج دارد. البته شارع مقدس در خصوص خواستگاری زن از مرد هیچ منعی وارد نکرده است؛ بدین جهت مطابق اصل اباحه در اعمال باید قائل به جواز چنین عملی شد و همانگونه که اشاره شد حتی می توان خواستگاری را به اظهار تمایل یک طرف برای ازدواج به طرف دیگر تعریف نمود.

لیکن ممکن است این شبهه به ذهن خطور کند که چنین امری برخلاف متعارف و رسم و عادت جامعه است؛ زیرا زن به لحاظ حجب و حیا باید مطلوب و محبوب واقع شود و مرد خواهان و طالبش گردد^۱ و چنانچه زنی در خواستگاری پیش قدم شود، موجب وهن شخصیت و افت منزلت وی خواهد شد. اما پاره ای از محققان اذعان داشته اند که اساساً این امر (خواستگاری زن از مرد) در نزد مردم متعارف است. (عمرانی، ۱۳۳۲: ج ۱، ص ۲۹۵) البته در سیره پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ابتدا حضرت خدیجه بنت خویلد به ازدواج با پیامبر راغب شد و به ایشان پیغام فرستاد. (العک، ۱۴۱۹: ص ۵۷)

۱- شهید مطهری در این باره می نویسد: «طبیعت، مرد را مظهر عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب و معشوق بودن... این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد، نیاز و طلب و در غریزه زن، ناز و جلوه قرار داده است». (مطهری، ۱۳۷۴: صص ۴۸-۴۷).



به علاوه قرآن کریم هم از وقوع و مشروعیت چنین امری حتی قبل از اسلام خبر می دهد، در داستان حضرت موسی (ع) زمانی که پیامبر گرامی وارد شهر مدین شد، در حوالی آن شهر جماعتی را دید که از آب چاهی حشم و گوسفندان خود را سیراب می کردند، دو بانوی محترم را نظاره کرد که با حیا به دور از مردان در کناری به جمع آوری گوسفندان خود مشغول بودند. از آن دو پرسید که آنجا چه می کنند؟ آن دو پاسخ دادند، منتظرند مردان از کنار چاه باز گردند، تا گوسفندان را سیراب نمایند؛ زیرا پدرشان فردی سالخورده و فرتوت است (توانایی انجام این امور را ندارد). در این حال حضرت موسی (ع) با مهربانی و جوانمردی به آن دو یاری رسانید و گوسفندانشان را سیراب کرد. توانمندی و روحیه جوانمردی حضرت موسی، آن دو بانوی عفیف را که دختران پیامبر خدا حضرت شعیب بودند، متأثر ساخت؛ آن گونه که یکی از آن ها با وقار و کمال حیا در نزد پدر تقاضای ازدواج با حضرت موسی را مطرح نمود و پدر را واسطه در خواستاری از مرد مورد پسند خود قرار داد و چنین گفت: «ای پدر، این مرد را به خدمت خود اجیر کن؛ زیرا بهترین فردی که باید به خدمت برگزیده شود، کسی است که امین و توانا باشد». در حقیقت این خواستگاری حیا آمیز زنی پرهیزگار است که با متانت و حفظ وقار و گوهر عفاف، تمایل و تقاضای ازدواج خود را به شایستگی مطرح می سازد و پدر که خود از پیامبران الهی است، این خواسته را می پذیرد و به حضرت موسی چنین می گوید: «من قصد دارم که یکی از دو دخترانم را به نکاح تو در آورم بر این مهر که هشت سال اجیر من باشی و اگر ده سال تمام باشد به میل و اختیار تو و من در این نکاح رنجی بر تو نخواهم نهاد». (قصص، ۲۸-۲۲)

در احادیث و سنت شریف نیز نمونه هایی از تایید ضمنی چنین امری برداشت می گردد؛ در روایتی از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که زنی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر مرا شوهر بده. پیامبر فرمود: چه کسی شوی این زن می شود؟ مردی از آن میان پذیرفت. پیامبر به مرد گفت: چه چیزی به عنوان مهر به این زن می دهی. مرد گفت: چیزی ندارم. پیامبر فرمود: آیا چیزی از قرآن را به خوبی آشنایی، مرد گفت: آری آنگاه پیامبر فرمود: تو را به تزویج این زن درمی آورم بر این که آنچه از قرآن می دانی به او بیاموزی». (عاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۴ ص ۱۹۵)

بنابراین، نمی توان خواستگاری و تقاضای ازدواج را از سوی زن، آن هم با رفتاری خردمند،

حیا آمیز و ضمن رعایت موازین شرعی، ناروا انگاشت. گرچه به نظر می‌رسد که مراتب حجب و وقار زنانه مانع از اقدام آشکار زنان در این باره می‌گردد.

باید یادآور شد ماده ۱۰۳۴ ا.ق.م. که بیشتر ناظر به شرط صحت خواستگاری است، به طور ضمنی لزوم شروع خواستگاری از ناحیه مرد و قبول آن از سوی زن را نیز افاده می‌کند. لذا حقوقدانان به طور محدود خواستگاری را عبارت از پیشنهاد ازدواج از سوی مرد به زن دانسته‌اند. چنانکه گفتیم این دیدگاه بر مبنای غلبه عرفی استوار است، ولی خواستگاری از طرف بانوان یا اولیای آنان منعی از نظر عقل و شرع ندارد. بدین جهت پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار در اصلاح ماده فوق به این مسأله توجه نماید تا وجود این گونه مواد در قانون مدنی به ایجاد محدودیت در همسرگزینی یا تضییق در حقوق زنان تفسیر نگردد.^۱

حکم نظر مورد به همسر آینده

از مهم‌ترین احکام و آثار خواستگاری که مورد توجه فقها نیز قرار گرفته است، مشروعیت دیدن و نظر افکندن مرد خواستگار به زن مورد خواستگاری می‌باشد. اصل اولی بر حرمت نظر مرد به اندام زن نامحرم و بالعکس است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «مردان مؤمن را بگو تا چشم‌هایشان را بپوشند و فروج خود را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شان اصلح است و البته خداوند به هر چه کنید کاملاً آگاه است و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌هایشان را بپوشند و فروج خویش را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود، آشکار نسازند...» (نور، ۳۱-۳۰) احادیث متعددی نیز این حکم را تأیید می‌نمایند. (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۳۸)

لیکن شارع مقدس بنا بر مصالحی از جمله اهمیت و حساسیت میثاق مقدس ازدواج، لزوم آگاهی و شناخت دو طرف از اوصاف و خصوصیات یکدیگر، پایه‌گذاری کانون خانواده بر انتخاب صحیح و خردمندانه، تضمین استمرار خانواده و تداوم صفا و مودت میان زوجین،

۱- برخی نویسندگان بر این باورند که این دسته از مقررات با ساختار کهن جامعه سازگار است و با ساختار کنونی جامعه هماهنگی ندارد و به نیازها پاسخ نمی‌دهد. (ر.ک. کار، ۱۳۷۸: ص ۱۴۲)

استثنایی بر اصل اولی حرمت نظر وارد نموده و نگریستن به زنی که قصد ازدواج با وی را دارد مشروعیت بخشیده است. این حکم در بسیاری از کتب فقهی شیعه و سنی عنوان شده و فی الجمله مسلم و محل وفاق است. (طوسی، بی تا؛ ج ۲، ص ۳۵۷؛ مقدسی، ۱۴۰۳؛ ج ۷، ص ۲۵۳) ادله ای نیز بر این حکم اقامه شده که از آن جمله اجماع محصل و منقول (نجفی، بی تا؛ ج ۲۹، ص ۶۳) و احادیث متعدد از طریق شیعه و اهل سنت می باشد. مانند روایاتی که از پیامبر نقل شده که به «مغیره بن شعبه» (هنگامی که او از زنی خواستگاری نموده بود) فرمود: «اگر به آن زن نظر افکنی، برای ایجاد الفت و تدوام مودت میان شما شایسته است. (عاملی، ۱۴۱۲؛ ج ۱۴، ص ۶۱) همچنین در روایت صحیحی ای از امام محمد باقر (ع) سؤال شده از مردی که می خواهد با زنی ازدواج نماید آیا می تواند به او نگاه کند؟ امام در جواب فرموده اند: بلی، به درستی که مرد در برابر او (همسرگزینی) بهای گزافی می دهد. (همان، ج ۱۴، ص ۵۹، باب ۳۶، ح ۱) البته بسیاری از علما هم بر پایه ادله و روایات به استحباب این امر نظر داده اند. (عاملی، ۱۴۱۶؛ ج ۵، ص ۹۷؛ عاملی، ۱۴۱۳؛ ج ۱، ص ۵۰)

در مجموع، تردیدی در جواز نظر مرد به زنی که از وی خواستگاری کرده و قصد ازدواج با وی را دارد، وجود ندارد، اما در قیود، فروعات و قلمروی این حکم پرسش هایی وجود دارد که باید مطالعه و بررسی شود، از جمله این که مرد تا چه اندازه مجاز است به این زن نگاه کند، آیا می تواند نظر خود را از دست و صورت زن فراتر برده، گیسوان و سایر اندام وی را مشاهده نماید؟ آیا مرد باید تنها به قصد ازدواج نظر افکند و نباید با لذت همراه گردد؟ آیا احراز اذن برای مشروعیت نظر لازم است؟ و اصولاً حکم مزبور چه شرایطی دارد؟

فقها در خصوص حدود نگاه مرد به زنی که می خواهد با او ازدواج کند، اختلاف نظر دارند؛ شیخ طوسی معتقد است: «در جواز نظر مرد به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، تردیدی نیست و این که می تواند به محاسن، دست و صورت او نگاه کند، همچنین جایز است به راه رفتن و پیکره او از روی لباس نظر افکند». (طوسی، ۱۳۹۰؛ ج ۴، ص ۴۸۴) فقیه دیگر معتقد است: «رواست که مرد به صورت زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، نگاه کند». (حلی، ۱۳۸۱؛ ج ۲، ص ۲۶۸) همچنین علامه حلی می فرماید: «نظر افکندن به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز می باشد، همچنین به کف دست و در حالتی که ایستاده یا راه می رود نگاه کند و در روایت آمده که نظر به

موی سر و محاسن زن و اندام وی از روی لباس جایز است». (حلی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۶)

بنابراین، در جواز نظر به صورت و دست تا میج بین فقها اتفاق نظر است؛ ولی بعضی مانند محقق حلی جواز نظر را فقط به همین دو مورد اختصاص داده‌اند. صاحب ریاض هم این دیدگاه را به مشهور نسبت داده است. (طباطبایی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۶۲) البته این حکم به احتیاط نزدیک تر می باشد؛ زیرا اصل اولی بر حرمت نظر است و نگاه کردن به همین مقدار (صورت و دست) مقصود متحقق می شود؛ لذا نگاه به سایر اندام زن تحت عموم حرمت باقی می ماند. (ر.ک: کرکی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۲، ص ۲۷) این سؤال به ذهن خطور می کند که آیا صرف مشاهده صورت و قسمتی از دست، مقصود و حکمت شارع مقدس را تأمین می نماید و دیدن مواضع دیگری چون گیسوان برای تصمیم گیری در امر خطیر ازدواج نقشی ندارد؟ این تردیدها با دقت در پاره ای از روایات، موجب مظنه ای قابل تأمل می شود که دایره مشروعیت نظر و نگاه توسعه بیشتری دارد. البته این تردید نزد صاحب جواهر بیشتر می شود؛ زیرا صاحب جواهر ادعای شهرت صاحب ریاض را مورد تردید قرار داده و تحقق آن را مشکوک دانسته است. (نجفی، بی تا: ج ۲۹، ص ۶۶)

از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا خواستگار می تواند به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند؟ امام پاسخ مثبت دادند و آن را تأیید فرموده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۴، ص ۶۰ ح ۷) همچنین از امام علی (ع) روایت شده که نظر به محاسن چنین زنی جایز است. (همان، ح ۸) لفظ «محاسن» به معنای مواضع نیکویی، زیبایی و زینت است و چنین به دست می دهد که نظر به مواضع نیکو و زیبای بدن زن جایز می باشد، شاید موارد ذکر شده در روایات از قبیل مو، زینتگاه (محل بستن الگو)، پشت سر و... از باب مثال باشد و مقصود اصلی همان مواضع زیبایی بوده که در مهر و علاقه تأثیر گذار است. (جعفر سبحانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۱۵)

همچنین روایتی را اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند، ایشان فرمودند: «هرگاه کسی از زنی خواستگاری نماید، می تواند به مواضعی که موجب انگیزه و رغبت ازدواج با آن زن می شود، نگاه کند». (شوکانی، بی تا: ج ۶، ص ۱۱۰) بدین جهت برخی از فقهای معاصر معتقدند بر اساس نصوص وارده حکم به جواز نظر به مو، محاسن زن و تمامی اندام زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، جایز است قائل شده‌اند؛ این امور در ازدواج تأثیر دارد و به اختلاف قصد و حکمت،

متفاوت می باشد. در روایات نیز این جواز به طور مطلق آمده و روایتی که مشروعیت نظر به اندام زن را به بودن از روی لباس محدود ساخته، دارای اشکال و ضعف سند است و سایر روایات این باب هم، چنین قیدی ندارد. (نکرانی، ۱۴۲۱ق: صص ۵۶-۵۵) البته صاحب جواهر در نهایت به همین دیدگاه متمایل گردیده است. (نجفی، بی تا: ج ۲۹، ص ۶۷) تنها ایرادی که بر این دیدگاه وارد می شود، این است که متبادر در اذهان عرف، این حکم (نگاه به زنی که مقصود برای ازدواج است) تنها نظر به وجه و دست می باشد، چه این دو غالباً موضع نظر و مشاهده اند و غیر از آنها معمولاً با لباس مستور است. (حکیم، ۱۳۹۲ق: ج ۱۴، ص ۱۱۵) اگر چه احتیاط نیز چنین محدودیتی را برمی گزیند. لیکن باید اعتراف نمود که اگر در غالب موارد به مشاهده دست و صورت زن اکتفا گردد، غلبه مزبور موجب انصراف نمی شود، اما این غلبه محل تردید است، زیرا در بسیاری از موارد مواضع دیگری (نظیر گردن و مو) محل رؤیت است. (حکیم، ۱۳۹۲ق: ج ۱۴، ص ۱۱۵) البته عمل به احتیاط به عنوان یک اصل عملی در زمانی است که عموم و اطلاق ادله (روایات) وجود نداشته باشد و در این مرحله که عموم و اطلاق روایات وجود دارد، دیگر به اصل احتیاط عمل نمی شود مگر این که در ادله تردید جدی مطرح باشد.^۱

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

شرایط نظر مرد به خواستگار

فقها حکم نظر و نگاه را با دقت و اهتمام مورد ملاحظه قرار داده اند و قیود و شروطی را برای نظر بر شمرده اند که به خوبی عرصه را بر سوء استفاده کنندگان محدود ساخته و از تضییع حقوق زن جلوگیری می نماید. محقق کرکی در این باره چنین نگاه داشته اند: «جواز نظر در موردی است که زن خالی از موانع نکاح و نظر با اراده و قصد از دواج باشد و امکان اجابت در خواست مرد از سوی زن هم عادتاً فراهم باشد». (کرکی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۲، ص ۲۷) بعضی از فقها برای مشاهده چنین زنی چهار شرط بر شمرده اند: علم به صلاحیت زن برای تزویج؛ خالی بودن زن از موانع نکاح؛

۱- باید دانست که به طور قطع، نظر به عورت حتی از روی لباس، فاقد مشروعیت است؛ زیرا این نکته از محل فتاوی و نصوص خارج است و روایات منصرف از آن می باشند. همچنین احتیاط در فروج اقتضای آن دارد که نظر افکندن به سایر اندام نیز از روی لباس، اگر چه از روی لباسی نازک صورت پذیرد؛ لذا بهتر است که از مرسوم و متعارف هم تجاوز نگردد. (رک. خمینی، ۱۴۲۱ق: ص ۲۳۳، مسأله ۲۸)

احتمال اجابت از سوی زن؛ نبودن قصد ریبه و خوف وقوع در حرام. البته برخی نبودن لذت در نگاه را هم شرط کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۲) بنابراین معلوم می‌شود احراز بعضی خصوصیات و پاره‌ای شرایط به اقتضای ادله و ارتکاذ عقلی جهت استفاده از حکم مزبور (مشروعیت نظر افکندن به زنی که از دواج با او قصد شده است) بنا بر دلایل ذیل ضروری است: اولاً: باید امکان تحقق از دواج بالفعل فراهم باشد؛ یعنی مانعی در مسیر انعقاد عقد نکاح شرعی با زن خواستگاری شده نباشد. صاحب جواهر پذیرش این شرط را بدون شک پذیرفته است. (نجفی، بی تا: ج ۲۹، ص ۶۵) زیرا خواستگاری در مواردی که امکان تحقق فعلی از دواج فراهم نیست، مانند زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق یا فوت به سر می‌برد ممنوع است. (لنکرانی، ۱۴۲۱ق: ص ۵۴)

ثانیاً: مرد باید قصد از دواج با آن زن را داشته باشد و در حقیقت نگاه به اندام زن برای بصیرت بیشتر و تحکیم عزم و اراده باشد. از این رو، باید در تسری این حکم به خواستگاری که قصد از دواج دارد، لیکن از دواج با آن زن را قصد نکرده است، تأمل و درنگ نمود. امام خمینی (ره) از باب احتیاط بلکه قول قوی این شرط را برگزیده‌اند. (خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۲۳۳، مسأله ۲۸)

ثالثاً: احتمال پذیرش درخواست مرد از سوی زن برای وقوع از دواج باشد، چه در صورتی که مرد عالم به رد و استنکاف زن مورد نظر از ازدواج با خود باشد، دیگر دلیلی برای حکم مورد بحث (مشروعیت نظر) وجود ندارد.

رابعاً: لذت جویی، چشم چرانی و نیز خوف وقوع در معصیت و حرام نباشد؛ زیرا حکمت این حکم در موردی است که قصد تزویج باشد و مرد به منظور از دواج با زن بخواهد از سلامت جسمی و زیبایی وی آگاه شود تا انتخابی درست، قاطعانه و برخاسته از آگاهی و رغبت داشته باشد. (زک، لنکرانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۳)

البته خواستگار در بسیاری مواقع ضمن نگرستن با قصد از دواج، ناخواسته لذت برده و از مشاهده محاسن و اندام زن به طور قهری احساس کامجویی می‌کند. بی تردید مقید ساختن این حکم به عدم تحقق لذت و ملائمت، از واقع بینی و وجاهت علمی به دور است. زیرا از یک سو ادله مشروعیت نظر به زنی که از دواج با وی قصد شده، اطلاق دارد و از سوی دیگر مشروط کردن

عدم لذت در نگاه کردن موجب عسر و مشقت رها ناپذیر است و حتی با حکمت و مصلحت حکم مزبور در تنافی می باشد. (ر.ک. نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۵) بدین جهت شرط شده که نظر به قصد ازدواج باشد و به قصد لذت بردن نباشد، اگر چه معلوم است که به سبب نگاه به زنی جوان، لذت بردن قهراً حاصل می شود. به همین جهت عده ای از فقهای عظام نظر به قصد ازدواج را با وجود تلذذ جایز شمرده اند. (نعمان، ۱۴۱۰ق: ص ۵۲۶؛ حلی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۷۳)

مسأله دیگری که باید بحث شود، این است که چه زمانی مرد می تواند به زنی که می خواهد با وی ازدواج کند، نظر افکند و اندام وی را نگاه نماید؟

محقق کرکی در این خصوص می نویسد: «سزاوار است که نظر قبل از انجام مراسم خواستگاری باشد؛ زیرا چنانچه پس از آن باشد و به سبب مشاهده زن از ازدواج با وی منصرف شود و زن را ترک نماید، بر وی سخت و ناخوشایند خواهد بود». (کرکی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۲، ص ۲۷) شهید ثانی نیز به تبعیت از محقق کرکی استاد خویش این دیدگاه را برگزیده است. (عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۷، ص ۴۰) ولی صاحب جواهر چنین دیدگاهی را نمی پسندد و آن را اجتهاد مقابل نص قلمداد می کند. (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۶) از آنجا که اقتضای صریح ادله این است که مرد پس از انجام خواستگاری نیز می تواند از این حکم بهره مند شود و حکمت حکم مزبور و اهمیت ازدواج که لازمه آن دقت و حساسیت در انتخاب شریک زندگی است، همچنین عادت و عرف، این نظر را تقویت می کند. در انتها به دو شرط مهم اشاره می شود:

الف) - تکرار نگاه در صورت عدم کفایت نگاه اول؛ خواستگار در راستای آگاهی بهتر و بیشتر از خصوصیات همسر آینده اش و تحکیم اراده و تصمیم خویش می تواند مکرر و به دفعات به وی نگاه کند، صورتش را ببیند و او را نشسته و در حال راه رفتن تماشا کند. (ر.ک. حلی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۲۶۸) اما این امر نباید دستاویز ایجاد مزاحمت، ایراد و فشار روحی بر زن شود. البته سزاوار است تکرار مشاهده بانوی خواستگاری شده با هماهنگی و پذیرش وی باشد و با این قید که مشاهده اول کافی نبوده و پاره ای از ویژگی ها بر خواستگار مبهم مانده است. از این رو صاحب جواهر فرموده است: «مشروعیت تکرار نظر مربوط به موردی است که در اولین دفعه تعمق نبوده و نگاه اول مفید و وافی به مقصود واقع نگردد». (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۷)

ب)- نگاه با اطلاع در مواردی و بدون هماهنگی در مواردی دیگر؛ اگرچه هماهنگی با زن خواستگاری شده و موافقت وی جهت نگرستن به صورت و اندام وی پسندیده می نماید، لیکن بر اساس ادله، مشروعیت این کار منوط به پذیرش و اجازه وی نیست؛ بلکه مصلحت اقتضا می کند این عمل در مواردی بدون اطلاع قبلی و آگاهی طرف مقابل صورت گیرد، زیرا با آگاهی وی ممکن است عیوبی پوشانده شود و با تظاهر و آراستگی مواردی برخواستگاری مشتبه گردد و مقصود وی حاصل نشود. (ر.ک. سید عاملی، ۱۳۱۳ق: ج ۱، ص ۵۲)

حکم نظر زن به خواستگار

مرد با شرایطی که بیان شد می تواند به زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، نگاه کند تا ویژگی ها و محاسن زن بر او معلوم گردد و زندگی زناشویی بر اساس شناخت و انتخابی آگاهانه و تصمیمی قاطعانه بنا شود. پرسش مهم این است که آیا زن هم مثل مرد از چنین حقی برخوردار است؟

با بررسی روایات و آمده تسری حکم مزبور به زن و الحاق وی به مرد در برخورداری از این حق، تردید جدی وجود دارد. به ویژه این که علت یاد شده برای حکم مذکور در ذیل برخی احادیث؛ از جمله این که مرد برای ازدواج با زن بهای گزافی می دهد (عاملی، ۱۳۱۲ق: ج ۱۴، ص ۶۰ ح ۷) یا این که مرد «مستام» (طالب و مشتری) است. (همان، ح ۸) بر اختصاص حکم به گروه رجال مهر تأیید می زند. لذا عده ای از فقها معتقد به این دیدگاه می باشند. محدث بحرانی اظهار می دارد. از آنجا که اصل در مسأله نظر «تحریم» است و تنها نظر مرد خواستگار به زن تجویز شده، نمی توان زن را با مرد قیاس نمود و این حکم را به وی تسری داد. (بحرانی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۳، ص ۴۶) صاحب جواهر نیز در مسئله نگاه مقایسه زن با مرد را ممنوع دانسته است؛ (نجفی، بی تا: ج ۲۹، ص ۶۸) ولی به نظر می رسد، چنین تفکیکی میان زن و مرد آن هم به عنوان دو شریک زندگی، درست نباشد. به ویژه این که اصل بر اشتراک و همسویی حقوق زن و مرد است، مگر این که دلیل معتبر برخلاف آن اقامه شود. هم چنان که در سوره بقره آمده است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، (نقره، ۲۲۸)

و برای زنان بر شوهران همانند شوهران بر زنان، حقوق مشروعی است. زن نیز همسان مرد در ازدواج حق انتخاب و گزینش دارد و می تواند پیشنهاد خواستگار را قبول یا رد نماید. پس

مصلحت اقتضا می کند که این انتخاب همانند مرد انتخابی آگاهانه و از روی شناخت و بینش باشد.

بنابر این بهتر است که به جای تأکید بر واژه «رجل» در روایات که آن هم از باب تطابق سؤال و جواب یا ملاحظه غالب موارد بوده است، به نوع تعلیل و ملاک مذکور در روایات دقت و عنایت شود؛ چه همان طور که مرد در برابر ازدواج، بهای زیادی (مهریه) می پردازد، زن نیز در مقابل از گوهر عفاف و پاکدامنی خود مایه می گذارد و بضع (کام) خویش را تقدیم مرد می نماید که بی شک در مقایسه با مهریه از اهمیت فزونتری برخوردار است. (ر.ک. حکیم، ۱۳۹۲ق: ج ۱۴، ص ۱۷)

لذا تحلیل مذکور در روایات، شامل زن هم می شود، زیرا وی نیز خواهان زندگی مشترک و انتخاب شریکی اصلح است، پس زن همچون مرد «مستام» است و بهای بس گزاف می پردازد. (شمس الدین، ۱۹۹۴م: ص ۲۶۷) به اضافه، اگر مرد بدون رؤیت و ملاحظه محاسن زن اقدام به ازدواج نماید، راحت تر می تواند از چنین همسری که فاقد اوصاف دل پسند وی است، جدا شود، اما زن هم از جهت روحی و عاطفی و از جهت شرع و مقررات برای مفارقه و جدا شدن از شوهری که خوشایند وی نباشد با مشکلات و موانع بسیاری روبه رو می شود. در نتیجه باید اعتراف نمود که برای زن در بهره مندی از این حق ضرورت و اولویت بیشتری احساس می گردد. بدین سان برخی از بزرگان از باب وحدت ملاک و اشتراک در مقصود، این حق را برای زن به رسمیت شناخته و در این باره تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده اند. (حلی، ۱۴۰۵ق: ص ۳۹۶، کرکی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۲، ص ۲۹) همچنین بسیاری از فقهای اهل سنت نیز از توسعه این حکم و تسری آن به زنان طرفداری نموده اند. (زیدان، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ص ۷۰) البته نظر و نگاه زن به مرد با همان شرایطی است که در مورد نگاه مرد به زن در صفحات قبلی بیان شد.

موانع خواستگاری

در شرع مقدس به جهت مصالحی برای خواستگاری از برخی زنان محدودیت یا ممنوعیت هایی منظور شده است. در قرآن کریم در مورد خواستگاری از زنانی که در عده (وفات) به سر می برند آمده است: «باکی نیست برای شما که به خواستگاری آن زنان بر آید یا نیت ازدواج را در دل

(بدون هیچ اظهار) داشته باشید، تنها خدا داند که از این پس، از دل به زبان خواهید آورد ولیکن با آنها در پنهان قرار و پیمانی نگذارید، مگر آن که سخنی به میزان شرع گویند، ولی عزم عقد و ازدواج نکنید تا زمان عده آنها سپری شود» (قره، ۲۳۵). بر این اساس، عده‌ای از فقهای عظام به بررسی این موانع اهتمام ورزیده‌اند. (رک. حلی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۶۹) قانونگذار نیز متأثر از فقه امامیه در ماده ۱۰۳۴ ق.م.چنین مقرر نموده: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری نمود». مفهوم مخالف ماده فوق این است که زنان دارای موانع نکاح (مانند زنان محارم، زنان شوهردار و...) نمی‌توانند مورد خواستگاری قرار گیرند. از آنجا که موانع مزبور کمتر مورد توجه نویسندگان حقوق ایران واقع شده، مناسب است که در این نوشتار، موارد منع یا محدودیت نکاح بیان شود. خواستگاری از دو گروه زنان ممنوع است:

الف)- بانوانی که همسر شرعی و قانونی دارند.

ب)- بانوانی که در دوران عده به سر می‌برند.

البته این دو مورد با در نظر گرفتن این که خواستگاری به صورت صریح و بی‌پرده باشد، یا به صورت تعریض و کنایه‌ای^۱، نیز بر اساس نوع عده زن (عده طلاق رجعی، بائن یا عده وفات) و همچنین شخص خواستگاری‌کننده (شوهر باشد یا اجنبی) شامل مواردی می‌شود که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

خواستگاری از زن شوهردار

اجماع فقهای مذاهب اسلامی، خواستگاری از همسر دیگری را جایز نمی‌دانند، خواه به صورت صریح یا کنایه‌آمیز باشد. زیرا آبرو و ناموس مسلمان بسان جان و مال وی محترم است. (رک. نجفی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۱۹) بدین جهت هیچ دین‌ورز بلکه خردورزی چنین اقدام و تعرض ناروایی را به ناموس خویش تحمل نمی‌کند. البته روا دانستن چنین عمل ناپسندی، از جهت

۱- منظور، انجام خواستگاری با الفاظ و عباراتی است که به طور آشکار دلالت به تقاضای ازدواج دارد و احتمال دیگری را بر نمی‌تابد. مثل این که به زنی بگوید: می‌خواهم با شما ازدواج کنم».

۲- منظور، انجام خواستگاری با الفاظ و عباراتی است که به طور ضمنی و کنایه‌آمیز خواستگاری و تقاضای ازدواج را برساند، مثل این که به زنی بگوید: «من همسری با این صفات... می‌خواهم» و آن صفات در زن باشد

اجتماعی هم مفاسد زیادی را دامن می زند (بحر العلوم، ۱۴۰۷ق: صص ۱۳۲-۱۳۱) که در رأس آن اختلال و متلاشی شدن زندگی زناشویی و کانون خانواده به عنوان رکن بنیادین جامعه است.

خواستگاری از زن صاحب عده طلاق رجعی

در فقه اسلامی معروف است که مطلقه رجعیه در زمان عده در حکم زوجه می باشد. (نجفی، بی تا: ج ۳۰، ص ۱۱۹؛ زیدان، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ص ۶۴) لذا شرع مقدس دوران عده رجعی را به گونه ای قرار داده تا امکان بازگشت شوهر و استمرار زندگی زناشویی سابق بدون نیاز به عقد جدید فراهم باشد. بر این اساس، فقها همانند صورت قبل بر حرمت خواستگاری مرد اجنبی از چنین زنی اتفاق نظر دارند. (بحر العلوم، ۱۴۰۷ق: ص ۱۳۳) فقط در مذهب مالکی، خواستگاری به صورت تعریض و کنایه ای روا شمرده شده است. (مغربی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۳۳) البته بازگشت شوهر در زمان عده و شروع زندگی مشترک به معنای رجوع زوج است و به معنای خواستگاری شوهر نمی باشد.

خواستگاری از زن صاحب عده سوم طلاق

در طلاق سوم زوجه به طور موقت بر شوهر سابق خود حرام می گردد و انعقاد عقد نکاح برای از سرگیری زندگی زناشویی برای آنها حرام است؛ مگر این که زن به تزویج مرد دیگری درآید و سپس طلاق داده شود. (بقره، ۲۳۰-۲۲۹) که به آن اصطلاحاً محلل گفته می شود. خواستگاری از چنین زنی در دوران عده اش به صورت تصریحی از سوی هر مردی (چه شوهر سابق و چه مردان دیگر) منع شده و فقط تعریض به خواستگاری برای آنها روا دانسته شده است. (بحر العلوم، ۱۴۰۷ق: ص ۱۳۴) دلیل این منع برگرفته از قرآن کریم می باشد. البته در آیه سخن از عده و وفات می باشد، لیکن علمای بزرگوار از عده و وفات الغای خصوصیت نموده اند. (نجفی، بی تا: ج ۳۰، ص ۱۲۰)

خواستگاری از زن صاحب عده نهم طلاق

اگر زنی در عده طلاق نهم از شوهر خویش باشد یا به علتی مانند لعان یا رضاع، از همسرش جدا شده باشد، بر همسر سابق خود حرام ابدی می گردد؛ لذا شوهر نمی تواند چه در عده و چه پس از آن از وی خواستگاری نماید؛ ولی اشخاص دیگر می توانند در اثنای عده به صورت ضمنی

و تعریضی از وی خواستگاری کنند، اما حق ندارند به تصریح در خواستگاری مبادرت ورزند.

خواستگاری از زن صاحب عده طلاق بائن

این مورد مانند زنی است که به صورت طلاق خلع از همسرش جدا شده باشد. در طلاق بائن برای بازگشت به زندگی مشترک قبلی، شوهر باید در انتظار تمام شدن عده باشد تا دوباره عقد نکاح را جاری سازد، از این رو در زمان عده شوهر سابق می تواند به صراحت یا به کنایه از زوجه مطلقه خواستگاری کند، اما مرد اجنبی در این دوران نمی تواند به صورت صریح از وی خواستگاری نماید، هر چند می تواند به خواستگاری تعریضی و کنایه آمیز اقدام نماید. (جفی، ج ۳۰، ص ۲۰)

خواستگاری از زن صاحب عده وفات

مطابق شرع و ماده ۱۱۵۴ ق.م.زنی که شوهرش فوت کرده، باید به مدت چهار ماه و ده روز از زمان درگذشت همسرش عده نگه دارد. لذا به منظور حفظ احترام شوهر سابق، خواستگاری صریح از چنین زنی در دوران عده ممنوع است، ولی با توجه به آیه ۲۳۵ سوره بقره، خواستگاری تعریضی از چنین زنی فاقد نهی و منع است.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می شود خواستگاری از زنان فاقد موانع نکاح و خالی از عده و بدون شوهر، جایز است. با این حال محدودیت های دیگری نیز وجود دارد که در ادامه نوشتار به آن اشاره می شود. نکته قابل تأمل، ایرادی است که متوجه قانونگذار می باشد که چرا با وجود موانع شرعی احصاء شده برای خواستگاری، قانونگذار مدنی قضیه را به اجمال برگزار نموده و موارد منع و محدودیت خواستگاری را به تفصیل بیان نکرده است. این مطلب از دو جهت قابل توجیه است: اولاً، شاید قانونگذار تفصیل مطالب را به فقه و اگذار نموده است. ثانیاً، به جهت آنکه ارتکاب موارد منع، فاقد اثر وضعی و ضمانت اجرای حقوقی است. مثلاً اگر شخصی از زنی در دوران عده به صورت صریح خواستگاری نماید و پس از سپری شدن عده، عقد نکاح را جاری سازد عقد او صحیح است و آن شخص فقط مرتکب گناه و معصیت شده است. لذا نه تنها قانونگذار باید موارد منع خواستگاری را بیان نماید، بلکه باید ضمانت اجرای مناسبی هم تدوین

نماید. (جفی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۲۳)

خواستگاری از نامزد دیگری

از جمله مواردی که می‌توان آن را در زمره موانع خواستگاری قرار داد، خواستگاری از نامزد شخص دیگر است. شاید بتوان ادعا نمود که هر انسان خردمندی اذعان می‌دارد چنانچه کسی از بانوی که پیشتر به خواستگار دیگری پاسخ مثبت داده و به نامزدی وی درآمده، تقاضای ازدواج کند اقدامی ناپسند را مرتکب شده است، چه با پذیرش خواستگار قبلی از سوی زن و تحقق وعده نکاح و نامزدی، نوعی حق و حریم برای خواستگار ایجاد می‌گردد تا زمانی که ازدواج تحقق یابد مگر اینکه نامزدی فسخ گردد. پرسش این است که آیا اقدام به خواستگاری از مخطوبه (خواستگاری شده) دیگری حرام و ممنوع است، یا فقط ناپسند و قابل سرزنش می‌باشد؟

پاره‌ای از علمای اهل سنت به استناد چند حدیث نبوی، خواستگاری از زنی را که پیشتر توسط شخصی دیگر خواستگاری شده و زن هم آن را پذیرفته است؛ ممنوع و حرام دانسته‌اند. (ابوزهره، بی تا: ص ۵۹) مثلاً پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هیچ یک از شما زنی را که دیگری خواستگاری کرده است، خواستگاری ننماید، تا اینکه ازدواج کند یا منصرف گردد». (بخاری، ۱۴۱۹ق: ج ۶، ص ۱۶۶ ح ۵۱۲۲) آنان همچنین استدلال کرده‌اند که دین اسلام به وحدت و دوستی و محبت فراخوانده و آنچه که موجب دشمنی و کینه می‌باشد، ممنوع نموده است و تردیدی نیست که هرگاه مردی از مخطوبه و نامزد دیگری خواستگاری کند، موجب کینه و نفرت شدید میان آن دو می‌گردد. (محمد ابوزهره، بی تا: ص ۵۹)

فقه شیعه نسبت به این مسئله دو نظر داده است؛ عده‌ای از فقها از جمله شیخ طوسی و شهید اول بر این باورند که خواستگاری از چنین زنی (مخطوبه دیگری) حرام می‌باشد، (به نقل از حلی، تذکره الفقها، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۷؛ عاملی، ۱۳۰۶ق: ص ۱۱۲) از آنجا که این عمل از سوی پیامبر (ص) منع و نهی شده و نهی ظهور در حرمت دارد؛ لذا گروهی دیگر از فقها این عمل را تحریم نکرده‌اند (حنفی، بی تا: ج ۲، ص ۱۲۴) و فقط بعضی مانند شهید ثانی به کراهت آن نظر داده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۲۴۱) این گروه در توجیه نظر خویش اظهار داشته‌اند: اصل بر حلیت و عدم تحریم است و احادیث دال بر منع نیز به لحاظ ضعف سند، توانایی برهم زدن اصل جواز را ندارند. به علاوه، صرف پذیرش خواستگار و تحقق نامزدی و وعده نکاح، هیچ گونه علقه‌ای میان زن و مرد ایجاد نمی‌کند؛

بنابراین همان طور که طرفین حق برهم زدن آن را دارند، انجام خواستگاری توسط دیگری نیز بلامانع است. (ر.ک. محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۲۹) این دیدگاه همچنین راه را برای توسعه حق انتخاب زن جهت گزینش فردی بهتر به همسری خود هموار می‌سازد؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که بانوی مورد نظر با پذیرش اولین خواستگار، نتواند تقاضای فرد دیگری را با همان خصوصیات بلکه با ویژگی‌های بهتر و ارزنده تر اجابت نماید.

البته عقل برای داوری در این مسئله نظر دیگری دارد؛ زیرا، همان گونه که بیان شد، با اجابت تقاضای خواستگار از سوی زن، رابطه نامزدی شکل می‌گیرد و زن و مرد در مسیر آغاز زندگی مشترک زناشویی قرار می‌گیرند، باهم گفتگو می‌کنند، قراردادهایی را می‌گذارند و تعهداتی برعهده خود می‌پذیرند و بدین ترتیب به نوعی صاحب حق گشته و در برابر هم نوعی حریم برای آنها ایجاد می‌شود. از این رو، اگر شخصی بخواهد متعرض این رابطه شود و حریم این محدوده را از بین ببرد، بی‌درنگ عقل به بدی و قباحت چنین اقدامی حکم کرده و آن را به ناحق و ستم آمیز می‌داند و شاید بتوان ادعا نمود که احادیث وارده نیز در تأیید حکم خرد بوده و در حقیقت حاکی از قبح عقلی و کراهت اجتماعی و ناپسندی آن در میان خردمندان می‌باشد. بدین ترتیب سزاوار است خواستگاری از بانویی که مورد خواستگاری قرار گرفته و از طرف زن یا قائم مقام قانونی اش با آن موافقت شده، حرام باشد. (همان) مگر آن که نامزدی آنان به هم خورد.

یکی از علمای معاصر معتقد است: «اسلام حتی از مداخله در معامله دیگری منع کرده است، حال اگر مداخله در معاملات مالی ممنوع باشد. به طریق اولی مداخله در خواستگاری دیگری نامعقول و ممنوع است. لذا جمهور فقها قائلند که خواستگاری از مخطوبه شخص دیگر، حرام است.» (فضل الله، ۱۴۲۰ق: ص ۲۱۲) البته قانونگذار مدنی با سکوت خود چنین منعی را به رسمیت نشناخته است؛ ولی پیشنهاد می‌شود به لحاظ احترام اشخاص و حفظ حریم آنان و جلوگیری از پاره‌ای مفاسد، خواستگاری از نامزد دیگری را ممنوع سازد و مقرراتی مناسب در این زمینه وضع نماید. ناگفته نماند آنچه بیان شد مربوط به مواردی است که بانوی خواستگاری شده با تقاضای ازدواج خواستگارش موافقت کرده باشد؛ اما اگر زن بین قبول یارد خواستگار اول مردد بوده و به نامزدی وی در نیامده باشد، دلیل قاطعی به منع و تحریم خواستگاری دوم وجود ندارد. یکی

از حقوقدان برجسته مصر ادعا می کند که در صورت اول (قبول خواستگار نخست توسط زن) فقها با اتفاق خواستگاری دوم را حرام می دانند؛ لیکن صورت اخیر را تنها برخی از فقهای اهل سنت ممنوع دانسته اند، در حالی که شیعه به استناد فعل پیامبر که فاطمه بنت قیس را برای اسامه بن زید خواستگاری کرد، با وجود آن که بیشتر معاویه و ابوجهم از وی خواستگاری نموده بودند (اما آن بانو موافقت خود را اعلام نکرده بود)، این صورت از خواستگاری را روا دانسته اند. (محمد ابوزهره، بی تا؛ صص ۵۹-۶۰) شهید ثانی هم در این باره (صورت دوم) چنین اظهار نظر کرده اند که هر چند ظاهر احادیث دلالت بر حرمت و ممنوعیت دارد؛ اما قائلی به حرمت در میان فقها یافت نشده است. (عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۲۴۱)

بنابراین خواستگاری از زنی که خواستگار یا خواستگاران قبلی خود را رد کرده یا تقاضای آنان را بی پاسخ گذارده باشد، خالی از منع است. لیکن در خصوص خواستگاری از نامزدی دیگری و زنی که تقاضای ازدواج دیگری را پذیرفته، بین فقهای شیعه اختلاف نظر است؛ هر چند ترجیح جانب منع، به عقل و مصلحت نزدیک تر است. با این حال، طبق آنچه در بحث از موانع خواستگاری مطرح شد، چنانچه شخصی از نامزد دیگری خواستگاری کرد و پس از موافقت، وی را به عقد خویش در آورد، فقهای امامیه به اتفاق عقد را صحیح می دانند، اگرچه این زن و مرد مرتکب نهی و معصیت گردیده اند. (الحلی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۷۰؛ عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۲۴۱)

خواستگاری ضرر آمیز

عده ای از علما در خواستگاری و مشروعیت نظر به مخطوبه، علاوه بر فقدان موانع خواستگاری، شرط کرده اند که اجابت و پذیرش تقاضای ازدواج از جانب زن امکان داشته باشد. (حلی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۵۷۰؛ عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۲۴۱) چه با وجود علم به مخالفت زن و رد خواستگاری، مشروعیت چنین اقدامی مورد تردید جدی قرار می گیرد و تحت عنوان «خواستگاری ضرر آمیز» از جهت حکم تکلیفی و وضعی (ضمان) قابل بررسی می باشد. گزاف نخواهد بود اگر ادعا شود که تا به حال چنین عنوانی (خواستگاری ضرر آمیز) در کتاب ها و مقاله ها نیامده است؛ ولی شرایط زمان حاضر و وضعیت جامعه کنونی اقتضای آن دارد که چنین مبحثی به طور مستقل

مورد عنایت و بررسی صاحب نظران و حقوقدانان قرار گیرد.

بی شک موارد متعددی را می توان یافت که بانویی به رغم برخورداری از سن مناسب و صفات نیکو، به سبب موقعیت و شرایط خاصی که در آن به سر می برد، حاضر به ازدواج نیست. به عنوان نمونه از نظر شغل یا تحصیلات دارای شرایط خاصی است؛ یا این که به لحاظ سرپرستی فرزندان یتیم خود و رعایت عواطف و روحیه ظریف آنان قصد ازدواج ندارد؛ بلکه از تقاضای خواستگار دلگیر و آزرده نیز می گردد. همچنین بانوانی هستند که به هیچ روی مردانی را که واجد پاره ای خصوصیاتند (مانند سن بالا، لابلالی گری و...) یا فاقد یکسری از اوصاف کمال اند. (مانند: سواد، و جاهت دینی و منزلت اجتماعی) به شوهری نمی پذیرند؛ حتی پیشنهاد تزویج را از سوی اینان توهین به خویش تلقی می کنند. حال چنانچه مردی با اطلاع از این وضعیت و به قصد اصرار یا لجاجت اقدام به خواستگاری نماید، علاوه بر اینکه به جهت اخلاقی مستحق منع و سرزنش است، به لحاظ وارد نمودن ضرر معنوی و آسیب روحی به بانوی مورد نظر، از دیدگاه شرع نیز سزاوار منع و نهی می باشد؛ به ویژه با منظور نمودن قاعده «لا ضرر و لا ضرار» که از قواعد مسلم و تردیدناپذیر فقه اسلامی است. به اضافه اگر چنین منعی پذیرفته نشود و بر قباحت این اقدام ناپسند مهر تأیید نزنند، باید به تعرض حریم خصوصی، ایذاء و مزاحمت و سلب آسایش افراد تن داده که به طور قطع برخلاف دیدگاه شریعت اسلامی است. (ذک. احزاب، ۵۸؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۰: ج ۲۰، ص ۵۰۱؛ ص ۵۵۵)

نتیجه گیری و پیشنهادات

- خواستگاری به واقع ایجابی است که با پذیرش آن از سوی فرد خواستگاری شده (زن) وعده نکاح صورت پذیرفته و نامزدی تحقق می یابد، لیکن چنین پیمانی به معنای تحقق ازدواج یا ایجاد محرمیت نیست. از این روزن و مرد همچنان باید در معاشرت و برخوردها حریم های شرعی را حفظ نمایند.

- خواستگاری زن از مرد معنی ندارد، بلکه مطالعه و بررسی پاره ای مستندات شرعی بر آن مهر تأیید می نهد. بنابراین شایسته نیست که شروع خواستگاری و تقاضای ازدواج از سوی زن

که طی رفتاری خردمندانه و حیاً‌آمیز و با مراعات موازین شرعی انجام شود؛ ناروا انگاشته شود. بلکه مناسب است، ماده ۱۰۳۴ ق.م. که به طور ضمنی شروع خواستگاری را از سوی مرد دانسته است، مورد اصلاح قرار گیرد تا به ایجاد محدودیت در همسرگزینی یا تضییق در حقوق زنان منجر نگردد.

- به لحاظ اهمیت و حساسیت خواستگاری، سزاوار است در خصوص حکم و قلمرو و نظر به همسر آینده (نگاه کردن به اندام زنی که قصد ازدواج با وی وجود دارد) به طور مشخص و مدون، اطلاع رسانی مناسب صورت گیرد تا محدوده شرعی روشن شود و راه بر سوءاستفاده یا برداشت‌های ناروا مسدود گردد.

- موانع خواستگاری که در فقه مورد بحث و توجه قرار گرفته و در ماده ۱۳۰۴ ق.م. به طور مجمل و گذرا بدان اشاره شده، لازم است حقوق دانان به این مهم عنایت بیشتری مبذول دارند و مناسب است این موارد به صورت مشخص در قانون احصاء شوند و ضمانت اجرای آن نیز بیان گردد.

- به جهت آنکه خواستگاری از نامزد دیگری و زنی که تقاضای ازدواج دیگری را پذیرفته، به لحاظ رعایت حق دیگری ممنوع است؛ لذا مناسب می‌باشد که این مورد از جمله موانع خواستگاری محسوب گردد. همچنین خواستگاری ضرراًمیز که در جامعه کنونی مورد ابتلا به شمار می‌رود و به جهت قباحت آن و تعرض به حریم خصوصی افراد و مشتمل بودن بر ایذاء و مزاحمت، برخلاف دیدگاه شریعت اسلامی است در ردیف موارد منع خواستگاری شمرده شود.

فهرست منابع:

- ◆ قرآن کریم.
- ◆ ابن قدامه المقدسی، عبدالله: «المغنی»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- ◆ ابوزهره، محمد: «محاضرات فی عقد الزواج و آثاره»، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
- ◆ امامی، اسدالله و صفایی، سیدحسین: «حقوق خانواده»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ◆ انصاری، مرتضی: «کتاب النکاح»، قم، المؤتمر العالمی لمیلاد الشیخ الانصاری، ج اول، ۱۴۱۵ق.
- ◆ بحر العلوم، عزالدین: «الزواج فی القرآن و السنه»، بیروت، دارالزهراء، ج اول، ۱۴۰۷ق.
- ◆ بحرانی، یوسف: «الحدائق الناضره»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- ◆ بخاری، محمد بن اسماعیل: «صحیح البخاری»، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
- ◆ بروجرودی، سیدمحمدحسین: «جامع احادیث الشیعہ»، قم، مؤلف، ۱۴۲۰ق.
- ◆ حر العاملی، محمد بن الحسن: «وسائل الشیعہ»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- ◆ حکیم، سید محسن: «مستمسک العروه الوثقی»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج دوم، ۱۳۹۲ق.
- ◆ حلّی، جعفر بن الحسن: «شرایع الاسلام»، نجف، مطبعه الآداب، ج اول، ۱۳۸۱ق.
- ◆ حلّی، حسن بن یوسف: «قواعد الاحکام»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
- ◆ حلّی، حسن بن یوسف: «تذکره الفقهاء»، قم، منشورات الرضی، ۱۴۰۴ق.
- ◆ حلّی، یحیی بن سعید: «الجامع للشرایع»، قم، مؤسسه سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق.
- ◆ خمینی، سیدروح الله: «تحریر الوسیله»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج اول، ۱۴۲۱ق.
- ◆ زیدان، عبدالکریم: «المفصل فی احکام المرأه و بیت المسلم»، بیروت، مؤسسه الرساله، ج اول، ۱۴۱۷ق.
- ◆ سبحانی، جعفر: «نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغماء»، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ج اول، ۱۴۱۶ق.
- ◆ شمس الدین، محمد مهدی: «الستر و النظر»، بیروت، مؤسسه الدولیه الاسلامیه، ج دوم، ۱۹۹۴م.
- ◆ شوکانی، محمد: «نیل الأوطار»، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ◆ طباطبائی، سیدعلی: «ریاض المسائل»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج اول، ۱۴۲۰ق.
- ◆ طوسی، محمد بن الحسن: «الخلاف»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ◆ طوسی، محمد بن الحسن: «النهایه»، بیروت، دارالکتب العربی، ج اول، ۱۳۹۰ق.
- ◆ عاملی، باقر: «حقوق خانواده»، تهران، مدرسه عالی دختران ایران، ۱۳۵۰.
- ◆ عاملی، زین الدین: «مسالک الافهام»، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- ◆ عاملی، سیدمحمد: «نهایه المرام»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج اول، ۱۴۱۳ق.
- ◆ عاملی، محمد بن مکی: «اللمعه الدمشقیه»، تهران، مرکز بحوث الحج و العمره، ج اول، ۱۴۰۶ق.
- ◆ عبدالرحمن العک، خالد: «آداب الحیاه الزوجیه»، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۹ق.
- ◆ فاضل لنکرانی، محمد: «تفضیل الشریعه، النکاح»، قم، مرکز فقه الاثمه الأطهار (ع)، ج اول، ۱۴۲۱ق.
- ◆ فضل الله، محمدحسین: «دنیا المرأه»، بیروت، دارالملاک، ج پنجم، ۱۴۲۰ق.
- ◆ کاتوزیان، ناصر: «حقوق مدنی خانواده»، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.

- ◆ کار، مهر انگیز: «ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران»، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چ اول، ۱۳۷۸.
- ◆ کدی عمرانی، محمد: «فقه الاسرة فی المهاجر»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۲ق.
- ◆ کرکی، علی بن الحسین: «جامع المقاصد»، قم، مؤسسه آل البیت، چ اول، ۱۴۱۱ق.
- ◆ محقق داماد، سیدمصطفی: «بررسی فقهی حقوق خانواده»، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ششم، ۱۳۸۰.
- ◆ مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، قم، صدرا، چ بیست و پنجم، ۱۳۷۶.
- ◆ مغربی، محمد الخطاب: «مواهب الجلیل»، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۶ق.
- ◆ نجفی، محمدحسن: «جواهر الکلام»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ هفتم، بی تا.
- ◆ نعمان، محمد (شیخ مفید): «المقنعه»، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم، ۱۴۱۰ق.

